

به نام خدای مهربان

آموزش و

کتاب‌کار

یازدهم

فارسی ۲

نگین سیاه‌نوری • اسماعیل مؤیدنصری • حسن معقول
مدیر و ناظر علمی گروه فارسی: شهیار قبادی



مهر و ماه

مقدمه



ساختار کتاب و ویژگی مهم آن

منم که دیده به دیدار دوست کردم باز چه شکر گویمت ای کار ساز بنده نواز
«حافظ»

دونده‌ای که مسافت صد متری را در کمتر از ده ثانیه می‌پیماید و قهرمان جهان و المپیک می‌شود، روزی کودکی نوپا بوده که به سختی روی پای خود می‌ایستاده است.

خوشنویسی که با مهارت تمام و به زیبایی اشعار و سخنان شاعران و نویسندگان بزرگ را بر دل کاغذ سفید می‌نگارد و شاهکاری دلربا می‌آفریند، به این سفارش راهنمایان خویش گوش جان سپرده است:

گر که خواهی شوی خوشنویس بنویس و بنویس و بنویس

در کتاب فارسی یازدهم (۲) همانند فارسی دهم (۱)، هجده درس، در هشت فصل گنجانده شده است. «رویکرد خاص این کتاب، رویکرد مهارتی است؛ یعنی بر آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی، فرازبانی و ادبی تأکید دارد.» متن هر درس با پرسش‌هایی در سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری ارزیابی می‌شود. در قلمروهای زبانی و ادبی، گاهی یک نکته زبانی یا ادبی هر چند کوتاه آموزش داده شده است. دانسته‌های پیشین دانش‌آموز نیز مورد سنجش قرار می‌گیرد.

پرسش‌های قلمروهای سه‌گانه، کتاب درسی پرسش‌های نمونه‌اند؛ یعنی همه مطالب و بخش‌های درس را شامل نمی‌شوند؛ از این‌رو دانش‌آموز برای کسب مهارت بیشتر، تمرین‌های تازه و جامع‌تری نیاز دارد.

در کتاب پیش روی شما، کوشیده‌ایم با توجه به نکات زبانی، ادبی و مفاهیم فکری موجود در هر درس، پرسش‌های متنوعی را طراحی کنیم، پرسش‌هایی که شیوه‌های مختلف طرح سؤال (کوتاه پاسخ، جای خالی، درست و نادرست، چندگزینه‌ای، جورکردنی، تشریحی و...) را دربر می‌گیرد.

دانش‌آموز پس از پاسخ‌گویی به این تمرین‌ها که بسیاری از آن‌ها با هدف آموزش طراحی شده است، به خوبی با گوشه‌های پنهان درس‌ها آشنا می‌شود و کم‌کم به مهارت قابل قبولی در هر درس دست می‌یابد.

دبیران گرامی نیز می‌توانند در مراحل مختلف تدریس و روند آموزش، از بخش‌های مختلف این کتاب بهره‌ای ببرگیرند. پیش از تدریس، پرسش‌های قلمروهای سه‌گانه هر درس را بررسی کنند تا هنگام اجرای کار خود در کلاس، نکته‌های مهم و کاربردی آن را به خاطر داشته باشند.

هم سوال از علم خیزد هم جواب هم چنان که خار و گل از خاک و آب
«مولوی»

پس از تدریس و زمان ارزشیابی نیز دبیران ارجمند پرسش‌های مختلفی در اختیار دارند که این موضوع می‌تواند عزیزان را در مدیریت زمان و ارزشیابی همه‌جانبه و یاری کند.

سرانجام:

هر چه کفیم جز حکایت دوست در همه عمر از آن پشیمانیم

تشکر و قدردانی

دست ادب بر سینه می‌گذاریم به احترام:

- آقای احمد اختیاری مدیر ارجمند انتشارات مهروماه
- آقای محمد حسین انوشه مدیر دلسوز شورای تألیف
- آقای شهریار قبادی مدیر پرتلاش گروه ادبیات

و همراهان و همکاران گرانقدرمان:

- خانم دکتر مریم رجبی نیا، خانم دکتر تهمینه طاهر دل، خانم جمیله موسوی، خانم فاطمه حاج زین‌العابدین،
و استاد حسن بهیاری

همچنین:

- خانم سمیه حیدری مدیر اجرایی تألیف و آنیتا ملالی عزیز که احتمالاً چند وقتی زمان نیاز دارند تا از دست
کابوس این کتاب نجات پیدا کنند که اگر زحمات این دو عزیز نبود، کتابی هم در کار نبود.

و گروه تولید نازنین:

- خانم سمیه جباری مدیر گروه تولید، آقای محسن فرهادی، مدیر خلاق گروه هنری و همکار هنرمندشان آقای
حسین شیرمحمدی، آقای رضا باغبانی مسئول فنی گروه تولید، آقای مسعود محترمی یکتا صفحه‌آرای توانمند،
آقای محسن کامران‌پور حروف‌نگار دقیق و رسام محترم تصاویر کتاب خانم فرشته شاهبیک.

گروه مؤلفان

نوری، معقول، مؤید ناصری

فهرست

۹



۱. ادبیات تعلیمی

۲۷



۲. ادبیات سفر و زندگی

۴۱



۳. ادبیات غنایی

۵۵



۴. ادبیات پایداری

۷۱

آزمون نوبت اول

۷۷



۵. ادبیات انقلاب اسلامی

۹۳



۶. ادبیات حماسی

۱۱۳



۷. ادبیات داستانی

۱۳۱



۸. ادبیات جهان

۱۴۵

آزمون نوبت دوم



فصل یکم ادبیات تعلیمی



بهره‌گیری از داستان یا حکایت در قالب شعر و نثر برای بیان کردن موضوع و مفهومی رفتاری، اخلاقی یا مسئله‌ای اجتماعی و پندآموز به شیوه اندرز

درس اول

نیکي: نکوهش سستی و تنبلی، تلاش برای به دست آوردن روزی خود
گنج حکمت «همت»: برتری همت و غیرت بر قدرت و توان جسمی

درس دوم

قاضی بُست: قناعت به داشته‌های خود و توجه به حلال و حرام
شعرخوانی «زاغ و کبک»: نکوهش تقلید کورکورانه

و آنچه در این فصل خواهید آموخت:

◀ قلمرو زبانی

دریافت معانی واژه (قرار گرفتن در جمله، رابطه‌های معنایی)
فعل معلوم و مجهول

درس نامه

درس اول: نیکی



بوستان یا سعدی نامه، نخستین اثر شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی است. در این اثر که در قالب **منتهوی** سروده شده است، شاعر با آوردن حکایاتی خواندنی، به مفاهیم عمیق اخلاقی و تربیتی اشاره می‌کند. در این درس حکایت درویشی را می‌خوانیم که با دیدن روباهی شل و ناتوان، از کار خدا شگفت‌زده می‌ماند و این سؤال ذهنش را مشغول می‌کند که روباه چگونه روزی خود را به دست می‌آورد؟ او می‌بیند که روباه با خوردن پس‌مانده شکار حیواناتی قدرتمند همچون شیر، زندگی می‌کند؛ پس با یقین به روزی رسانی خدا، در انتظار امدادهای غیبی، روزها گرسنه می‌ماند تا این که از محراب مسجدی، این سخن را می‌شنود که چرا همچون شیر، برای زندگیت تلاش نمی‌کنی؟ ... شاعر با آوردن این حکایت، که لحن آن روایی است، انسان‌ها را به سعی و تلاش برای کسب روزی و نیز دست‌گیری ناتوانان و نیکی به مردم، فرا می‌خواند. **مفهوم کلی:** اتکا به تلاش خود، نیکی کردن به دیگران موجب سعادت در هر دو جهان است.

واژه‌های کاری درس

شغال: جانور پستانداری است از تیره سگان که جزو رسته گوشت‌خواران است.
صنع: آفرینش، خلقت، صنعت
غیب: پنهان، نهان از چشم
فروماندن: متحیر شدن
قوت: غذا، رزق روزانه، خوراک
محراب: بخشی از عبادتگاه، جای ایستادن پیش‌نماز، بالای خانه
نگون بخت: بخت برگشته، بدبخت
هوش: مرگ، جان، شعور، خواب
وامانده: پس‌مانده
پیلان: فیل‌ها

پیلان: فیل‌ها
تیمار خوردن: اندوه و غم خوردن، خود را برای کسی در رنج و غم انداختن
جیب: یقه، گریبان
چنگ: نوعی ساز که سر آن خمیده است و تارها دارد.
دون همت: کوتاه همت، دارای طبع پست و کوتاه اندیشه
دغل: مکر و ناراستی، در این جا مکار و تنبل
زنخدان: چانه
سرای: خانه
شوریده‌رنگ: آشفته‌حال
شل: دست و پای از کار افتاده

واژه‌های گنج حکمت «هفت»

کمر بستن: آماده شدن، مصمم شدن

حمیت: غیرت، جوانمردی، مردانگی
همت: عزم و اراده

نکته‌های کاری درس

- «دیگر»: صفت پسین است و بعد از هسته قرار می‌گیرد ← جهان دیگر
- در گذشته گاهی به عنوان صفت پیشین، قبل از هسته قرار می‌گرفته است ← دیگر بار
- «شدن»: امروزه غالباً «اسنادی» است ← هوا سرد شد.
- در گذشته گاهی به عنوان «فعل غیراسنادی» به کار می‌رفته است. به معنی «رفتن، گذشتن، مردن» ← او به سرای باقی شد.
- معنی برخی از واژه‌های به دلیل کاربرد و معانی چندگانه، یا در جمله قابل دریافت است و یا از طریق «رابطه‌های معنایی»: مانند واژه «سیر» در مثال‌های زیر:
الف ظالمان هنوز از ریختن خون مردم، سیر نشده‌اند. (قرار گرفتن در جمله)
ب سیر از گرسنه خبر ندارد. (تضاد بین سیر و گرسنه)

● رابطه‌های معنایی

ترادف	هم‌معنی بودن	ماه و قمر
تضاد	مخالف و متضاد بودن	محبوب و منفور
تناسب	نسبت و رابطه داشتن	قلم و نوشتن
تضمن	یک واژه کلی‌تر است.	توپ و ورزش

تمرین‌های کاری درس

قلمرو زبانی

۱ عبارتهای زیر را با واژه مناسب کامل کنید.

- ۱ در بیت «یقین، مرد را دیده، بیننده کرد / شد و تکیه بر آفریننده کرد» فعل «شد» در معنی _____ به کار رفته است.
- ۲ در مصراع «شغال نگون بخت را شیر خورد» واژه _____ نقش دستوری نهاد دارد.
- ۳ معادل معنایی واژه‌های «صنع» و «کرم» به ترتیب _____ و _____ است.
- ۴ در بیت «در این بود درویش شوریده رنگ / که شیری برآمد شغالی به چنگ» واژه‌های _____ و _____ به ترتیب صفت و قید محسوب می‌شود.

۲ درستی و نادرستی عبارتهای زیر را معلوم کنید.

- ۱ در مصراع «چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست» واژه چنگ در معنی «دست» به کار رفته است. ☐
- ۲ در مصراع «چو صبرش نمائد از ضعیفی و هوش» واژه هوش در این جا معادل معنایی «هوشیاری و زیرکی» و معطوف به ضعیفی است. ☐
- ۳ صفت مبهم «دیگر» همیشه در متون فارسی به صورت وابسته پسین به کار رفته است. ☐
- ۴ در مصراع «که چون زندگانی به سر می‌برد؟» واژه «چون» قید پرسشی است. ☐
- ۵ واژه‌های «بیفکن، دغل، دون همت و نگون بخت» به ترتیب با واژه‌های «بینداز، درست کار، بلندهمت و بداقبال» در تضاد معنایی هستند. ☐

۳ گزینه درست را انتخاب کنید.

- ۱ در کدام گزینه دو غلط املائی وجود دارد؟
الف دقل، صنع، غم‌خوار، زرخدان ☐ ب شقال، قوت، مهرباب، روزی‌رسان ☐
- ۲ معادل معنایی واژه‌های «شوریده‌رنگ و جیب» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
الف رنگ‌زرد، گریبان ☐ ب رنگ‌پریده، یقه ☐
- ۳ ساختمان واژه‌های «استخوان، آسایش، دون همت، درنده و شوریده‌رنگ» به ترتیب در کدام گزینه دیده می‌شود؟
الف ساده، ونندی، مرکب، ونندی - مرکب ☐ ب ونندی، ساده، مرکب، ساده، ونندی - مرکب ☐
- ۴ در کدام بیت هر دو رابطه معنایی «تضاد و تناسب» بین واژگان دیده می‌شود؟
الف که چون زندگانی به‌سر می‌برد؟ بدین دست‌وپای از کجا می‌خورد؟ ☐ ب نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست ☐
- ۵ توضیحات زبانی مربوط به کدام مصراع درست نیست؟
الف فروماند در «لطف و صنع» خدای: «لطف و صنع» رابطه معنایی تناسب دارند، ساختمان فعل «فروماند» پیشوندی است. ☐ ب نه خود را بیفکن که دستم بگیر: «دستم» در نقش دستوری مسند است، این مصراع از دو جمله ساده تشکیل شده است. ☐

۴ با توجه به واژه‌ها و ترکیب‌های جدول زیر، پاسخ سؤالات را بنویسید.

روبهی بی‌دست و پای	صنع	زرخدان	شوریده‌رنگ	شیردرنده	محراب	روزی‌رسان
شغال نگون بخت	قوت	تیمار	بخشنده	دگر روز	وامانده	روزی
هر دو سرای	چنگ	دغل	بخشایش	غیب	زندگانی	درویش پیر

۱ چند «ترکیب وصفی» در جدول وجود دارد؟

۲ هم‌خانواده‌های «محراب، صانع، غایب و بخشوده» را از جدول بیابید و بنویسید.



۳ واژه‌هایی را که ساختمان ساده دارند بیابید و بنویسید.

۴ کدام واژه مخفف شده است؟

۵ کدام واژه‌ها معادل معنایی «غذا» به کار رفته‌اند؟

۶ کدام واژه دارای دو معنی است؟

۷ واژه‌های وندی، مرکب و وندی - مرکب را از جدول بیابید و بنویسید.

۸ متضاد واژه «درست‌کار» کدام واژه است؟

۹ کدام واژه مترادف «غمخواری و پرستاری» است؟

۱۰ کدام واژه از مصدر «بخشیدن» ساخته شده است؟

۱۱ در کدام «ترکیب وصفی» دو صفت وجود دارد؟

۱۲ در کدام ترکیب وصفی امروزه جای هسته و وابسته تغییر کرده است؟

۵ از میان واژه‌ها و ترکیب‌های زیر، کاربردهای معنایی واژه هر نمودار را بیابید و نمودارها را کامل کنید.

همکاری - دمای سرد - مزه غذا - حیوان درنده - بی‌احساس - اعضای بدن - قسمتی از صندلی - مایع سفید و شیرین - سرعت - سی‌روز - اساس - چهره زیبا

دست [همکاری] شیر [پایه] سرد [ماه] تند []

۶ با توجه به واژه‌های ستون «الف»، از طریق کدام رابطه معنایی، به معنی واژه «سیر» پی می‌بریم؟ (متصل کنید).

الف	ب
۱ گرسنه <input type="radio"/>	<input type="radio"/> تضمن
۲ گیاه <input type="radio"/>	<input type="radio"/> ترادف
۳ بیزار <input type="radio"/>	<input type="radio"/> تناسب
۴ پیاز <input type="radio"/>	<input type="radio"/> تضاد

۷ معنای واژه «شد» در هر یک از ابیات زیر چیست؟

۱ گریه شام و سحر، شکر که ضایع نگشت قطره باران ما، گوهر یک دانه شد

۲ منزل حافظ کنون بارگه پادشاست دل بر دلدار رفت جان بر جانانه شد

۳ شد آن که اهل نظر بر کناره می‌رفتند هزارگونه سخن در دهان و لب خاموش

۸ با توجه به ابیات، نقش دستوری واژه‌های مشخص شده را در جدول زیر تعیین کنید.

۱ دگر روز یار اتفاق افتاد که روزی رسان قوت روزش بداد

۲ زخندان فرو برد چندی به جیب که بخشنده روزی فرستد ز غیب

مفعول	متمم	نهاد	قید

۹ «را» در هر یک از مصراع‌های زیر از چه نوعی است.

نوع	گزینه
را حرف اضافه	←
را فک اضافه	←
را مفعولی	←

- ۱ یقین، مرد را دیده، بیننده کرد
۲ شغال نگون‌بخت را شیر خورد
۳ خرد را گر نبخشد روشنایی

۱۰ در کدام ابیات، ضمیر پیوسته، جابه‌جا شده است؟ توضیح دهید.

- ۱ چو صبرش نماند از ضعیفی و هوش ز دیوار محرابش آمد به گوش
۲ نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش، رگ و استخوان ماند و پوست
۳ دگر روز باز اتفاق افتاد که روزی‌رسان قوت روزش بداد

قلمرو ادبی

۱ مفاهیم کنایی به کار رفته در هر یک از مصراع‌های ستون «الف» را از ستون «ب» بیابید. (در ستون «ب» یک مفهوم اضافی است.)

الف	ب
۱ زرخدان فرو برد چندی به جیب	○ یاری و کمک
۲ بگیری ای جوان دست درویش پیر	○ لاغری
۳ چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست	○ تلاش نکردن و بیکاری
	○ تفکر و تأمل

۲ ارکان تشبیه را در مصراع دوم ابیات زیر معلوم کنید.

الف برو شیر درتده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شل

۱ مشبه: _____ مشبه‌به: _____ وجه‌شبه: _____ ادات تشبیه: _____

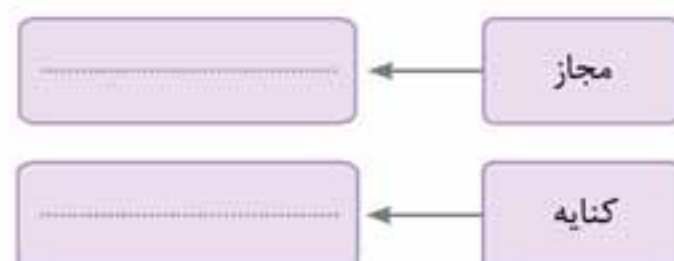
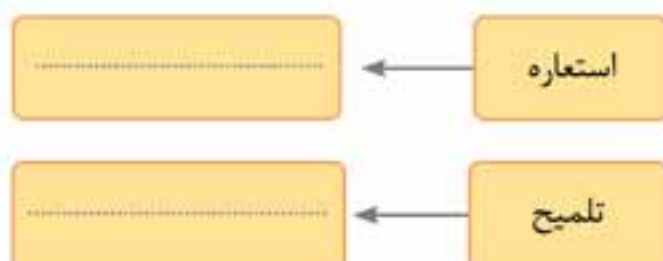
ب چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر؟

۲ مشبه: _____ مشبه‌به: _____ وجه‌شبه: _____ ادات تشبیه: _____

۳ آرایه‌های مقابل کدام بیت درست است؟

- ۱ نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست چو چنگش رگ و استخوان ماند و پوست (جناس-تضاد-ایهام تناسب-کنایه)
۲ برو شیر درتده باش ای دغل مینداز خود را چو روباه شل (تشبیه-استعاره-تضاد-مراعات نظیر)
۳ کزین پس به کنجی نشینم چو مور که روزی نخوردند پیلان به زور (تشبیه-جناس-مراعات نظیر-ایهام)

۴ کاربرد آرایه‌های زیر را در بیت «بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعی‌ات بود در ترازوی خویش» نشان دهید.





۵ آرایه‌های «تمثیل، مجاز، واج‌آرایی و جناس» به ترتیب در کدام بیت‌ها آمده است؟ (هر آرایه را روبه‌روی بیت بنویسید.)

- | | |
|----------------------------------|----------------------------------|
| ۱ کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست | که دون‌هم‌تاند بی‌مغز و پوست |
| ۲ در این بود درویش شوریده‌رنگ | که شیری برآمد شغالی به چنگ |
| ۳ خدا را بر آن بنده بخشایش است | که خلق از وجودش در آسایش است |
| ۴ شغال نگون‌بخت را شیر خورد | بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد |

۶ شماره تلمیح‌های زیر را روبه‌روی بیت مرتبط بنویسید.

- | | |
|---|------------------------------|
| ۱ إِنْ اللَّهُ هُوَ الرَّزَاقُ ذَوَالْقُوَّةِ الْمَتِينُ | کسی نیک بیند به هر دو سرای |
| ۲ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ | بخور تا توانی به بازوی خویش |
| ۳ لَيْسَ لِلإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى | زن‌خدا فرو برد چندی به جیب |
| ۴ الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ | خدا را بر آن بنده بخشایش است |
| | که نیکی رساند به خلق خدای |
| | که سعی‌ات بود در ترازوی خویش |
| | که بخشنده روزی فرستد ز غیب |
| | که خلق از وجودش در آسایش است |

قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم ابیات زیر را به نثر ساده و روان بنویسید.

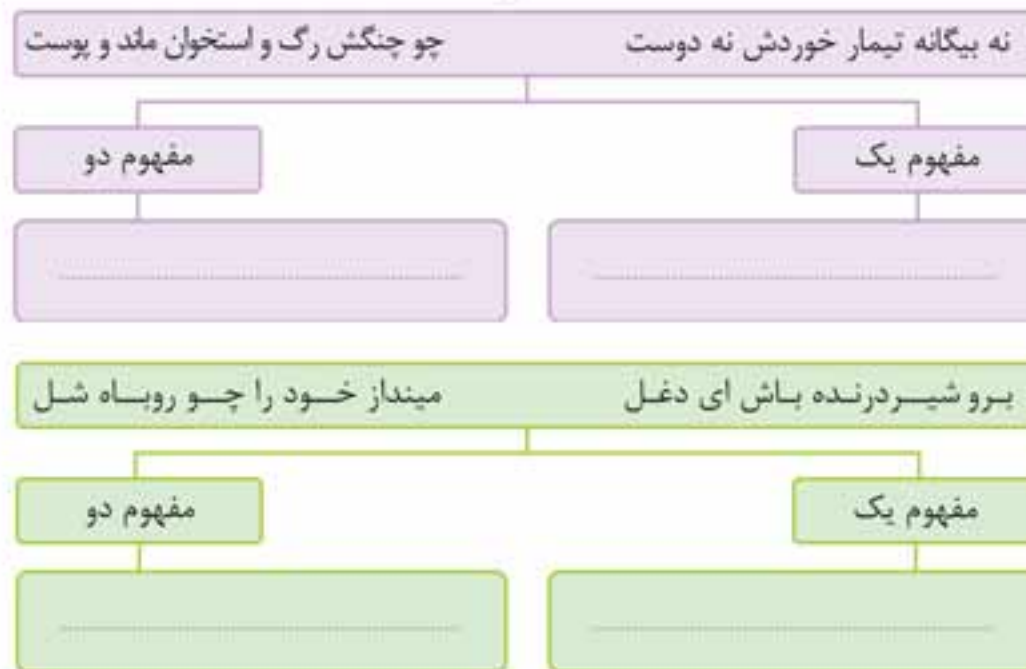
- | | |
|--------------------------------|----------------------------------|
| ۱ شغال نگون‌بخت را شیر خورد | بماند آنچه، روباه از آن سیر خورد |
| ۲ کزین پس به کنجی نشینم چو مور | که روزی نخوردند پیلان به زور |
| ۳ یقین مرد را دیده بیننده کرد | شد و تکیه بر آفریننده کرد |
| ۴ بگیر ای جوان دست درویش پیر | نه خود را بیفکن که دستم بگیر |

۲ بیت مرتبط با هر یک از مفاهیم زیر را بیابید و مفهوم را مقابل آن بنویسید.

توصیه به تلاش و یاری دیگران - بهره‌مندی از دست‌رنج خود - نکوهش فریب و ریاکاری - توصیه به بی‌آزاری - نکوهش تنبلی و تن‌پروری

- | | |
|---------------------------------|--------------------------------|
| ۱ برو شیر درنده باش ای دغل | مینداز خود را چو روباه شل |
| ۲ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر | چه باشی چو روبه به وامانده سیر |
| ۳ بخور تا توانی به بازوی خویش | که سعی‌ات بود در ترازوی خویش |
| ۴ خدا را بر آن بنده بخشایش است | که خلق از وجودش در آسایش است |

۲ برای هر یک از بیت‌های زیر دو مفهوم بنویسید.



۴ با توجه به بیت‌های زیر به سؤال‌ها پاسخ دهید.

یکی روبه‌پی دید بی‌دست و پای فرو ماند در لطف و صنع خدای
که چون زندگانی به سر می‌برد بدین دست و پای از کجا می‌خورد؟
در این بود درویش شوریده‌رنگ که شیری برآمد، شغالی به چنگ

۱ منظور از واژه «می‌خورد» در بیت دوم چیست؟

۲ شاعر چه ویژگی‌ای برای روباه آورده است؟

۳ چرا درویش، شوریده‌رنگ است؟

۴ مرجع ضمیر «این» در بیت آخر، به مفهوم کدام بیت مربوط است؟

۵ درویش، شیر را در چه حالی دید؟

۵ ارتباط معنایی مصراع «که سعيات بود در ترازوی خویش» با آیه «أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» را بنویسید.

۶ مفهوم بیت «هر که نان از عمل خویش خورد / منت حاتم طایی نبرد»، با کدام بیت تناسب بیشتری دارد؟

۱ بخور تا توانی به بازوی خویش که سعيات بود در ترازوی خویش

۲ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر چه باشی چو روبه به وامانده سیر

۷ با توجه به بیت «کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست / که دون همتانند بی‌مغز و پوست» به سؤالات پاسخ دهید.

۱ چه کسانی اهل کرم و بخشش هستند؟

۲ منظور از بی‌مغز و پوست چیست؟

۳ شاعر در این بیت، چه افرادی را با هم مقایسه می‌کند؟

۸ در عبارت «مور چون این بشنید، بخندید و گفت: مردان بار را به نیروی همت و بازوی حمیت کشند نه به قوت تن.»

تأکید و سفارش نویسنده به داشتن کدام فضیلت اخلاقی است؟



۹ از میان بیت‌های زیر، جفت بیت‌هایی را که مفهوم مشترک دارند پیدا کنید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

- | | |
|--------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱ به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل | که گر مراد نیابم به قدر وسع بکوشم |
| ۲ من از بازوی خود دارم بسی شکر | که زور مردم‌آزاری ندارم |
| ۳ تو نیکی می‌کن و در دجله انداز | که ایزد در بیابانت دهد باز |
| ۴ خدا را بر آن بنده بخشایش است | که خلق از وجودش در آسایش است |
| ۵ کسی نیک بیند به هر دو سرای | که نیکی رساند به خلق خدای |
| ۶ چنان سعی کن کز تو ماند چو شیر | چه باشی چو روبه به وامانده سیر |

بیت‌های _____ و _____ ، مفهوم مشترک:

بیت‌های _____ و _____ ، مفهوم مشترک:

بیت‌های _____ و _____ ، مفهوم مشترک:



تاریخ بیهقی یا تاریخ مسعودی نام کتابی نوشته ابوالفضل بیهقی در قرن پنجم است. این کتاب از نمونه‌های ارزشمند نثر فارسی است که به تاریخ حکومت سلطان مسعود غزنوی پرداخته است. در این درس، بیهقی به اتفاقی اشاره می‌کند که در سفر با کشتی، برای سلطان مسعود رخ می‌دهد و جشن و شادی آن‌ها تیره و تار می‌شود. در پی آن، سلطان مسعود که از مرگ نجات می‌یابد، پس از بازیافتن سلامتی، صدقاتی از پول و طلا برای مردم می‌فرستد، از جمله قاضی بست و پسرش که بسیار درمانده بودند. اما آن‌ها به دلیل تردید در حلال بودن طلاها و ترس از حساب و کتاب قیامت، آن صدقه را نمی‌پذیرند و قناعت به مال اندک را ترجیح می‌دهند. بیهقی با آوردن این حکایت تاریخی، عزت نفس، پاکدامنی و درست‌کاری را ارج می‌نهد. نثر این کتاب علاوه بر ارزش تاریخی، از نمونه‌های عالی نثر تعلیمی در تاریخ ادبیات فارسی، محسوب می‌شود و لحن آن نیز روایی است.

واژه‌های کاری درس

خداوند ولایت: صاحب همه ولایات و حکومت اسلامی
 خیرخیر: سریع، تندتند
 خيلتاش: گروه چاکران و نوکران
 در عهده آن نشوم: مسئولیت آن را نمی‌پذیرم.
 در بایست: نیاز، ضرورت
 دُرست: سالم، تندرست
 دوات: مرکب‌دان، ظرفی که در آن مرکب ریزند.
 دوال: پوست و چرم؛ یک دوال: یک لایه، یک پاره
 رعیت: عامه مردم
 رقعت: رقع، نامه کوتاه
 زایل: نابود، برطرف
 زبیر: روی
 زرپاره: قراضه و خرده زر، زر سکه‌شده
 سبحان الله: پاک و منزّه است خدا (برای بیان شگفتی به کار می‌رود؛ معادل «شگفتا»)
 ستدن: ستاندن، دریافت کردن
 سرسام: سردرد، ورم مغز، سرگیجه و پریشانی، هذیان
 سنت: شیوه، روش
 سور: جشن و شادی
 شبگیر: سحرگاه، صبح زود
 شراع: سایه‌بان، خیمه (درباره کشتی: بادبان)
 شمار آن به قیامت مرا باید داد: حساب و کتاب آن را در قیامت من باید پس بدهم.
 صعب: سخت و دشوار، خطرناک
 صلت: هدیه
 ضیعت: زمین زراعتی، ضیعتک: زمین زراعتی کوچک
 عارضه: بیماری، اتفاق، حادثه

از آن جهان آمده: از مرگ نجات‌یافته
 اطبا: جمع طبیب، پزشکان
 اعیان: بزرگان
 افگار: زخمی، مجروح، خسته
 اندک‌مایه: کم، سرمایه کم
 ایزد: خدا، آفریدگار
 آغاچی خادم: اسم خاص، نام خادم و پرده‌دار خاص شاه
 بارتخواست داد: نمی‌توانست اجازه ملاقات بدهد.
 باز دادم: پس دادم
 باز نمود: شرح داد
 بازان: پرنده‌های شکاری
 برنشست: سوار شد
 بزرگا که شما دو تنید: شما دو نفر چه قدر بزرگ هستید.
 بشارت: خبر خوش
 بگداخته: ذوب کرده، داغ کرده
 بگردانید: عوض کرد
 بی‌شبهت: بی‌شک و تردید
 تاس: کاسه، لگن، تشت
 تشویش: نگرانی
 توزی: پارچه نازک کتانی منسوب به شهر توز
 توقیع: امضا کردن فرمان، مهر کردن نامه و فرمان
 جامه‌ها: گسترده‌ها، فرش‌ها
 چاشتگاه: هنگام چاشت، نزدیک ظهر
 حساب این نتوانم داد: نمی‌توانم پاسخگوی آن باشم، جریمه‌اش را بپردازم.
 حشم: چاکران، غلامان، خدمتکاران
 حطام: مال دنیا، ریزه و خرده هر چیز

عَزَّوَجَلَّ: عزیز است و بزرگ و ارجمند

عقد: گردنبند

علت: بیماری، ناخوشی

علی ای حال: به هر حال

عهد: مسئولیت

غریو: فریاد

غزو: جنگ کردن با کفار

فارغ شدن: آسوده شدن از کار

فخر: مایه افتخار

فراخ تر: آسوده تر، راحت تر

فرود سرای: اندرونی، اتاقی در خانه که پشت اتاقی دیگر واقع شده

باشد، مخصوص زن و فرزند و خدمتگزاران

قضا: اتفاق، سرنوشت

قلم در نهاد: شروع به نوشتن کرد.

کافور: ماده خوشبوی سفید رنگ

کافی: باکفایت، لایق، دانای کار

کتان: پارچه سفید، گیاهی که الیاف آن در نساجی به کار می رود.

کران: کنار، ساحل، حاشیه

کرانه: ساحل، کناره

کراهیت: زشتی، ناخوشایندی، ناپسندی

کفایت: کافی

کوشک: قصر، کاخ

گسیل کردن: فرستادن، روانه کردن

لختی: کمی، اندکی

واژه های شعر خوانی «زاغ و کبک»

خامی: نپختگی، بی تجربگی

خطوات: گامها، قدمها، جمع خطوه

راغ: صحرا، بیابان، دامنه کوه

رقم کشیدن: نوشتن

روضه: باغ، گلزار

رهروی: پیرو راه بودن، راه رفتن

شاهد: معشوق، زیبارو

عرصه: محل وسیع، میدان

عرضه ده: نشان دهنده

لله درگما: خدا خیرتان بدهد

مبشّران: بشارت دهندگان، پیام رسانان، نوید دهندگان

مثال داد: دستور داد، فرمان داد.

محبوب: پنهان، مستور

مخنقه: گردنبند

مرا به کار نیست: به کار من نمی آید، برایم مفید نیست.

مطربان: نوازندگان و خوانندگان

مقرون: همراه، پیوسته

مهمّات: کارهای مهم و خطیر

مؤکد: تأکید شده، استوار

می بخواند: صدا می کند، فرامی خواند

می روا دارد: شایسته می داند، جایز می داند

ناو: کشتی کوچک، از درخت میان تهی سازند.

ندیمان: هم نشینان، همدمان

نکت: جمع نکته، مطالب مهم و برگزیده

نماز پیشین: نماز ظهر

نمودن قدرت: نشان دادن قدرت

وبال: عذاب، سختی، گناه

وزر: گناه و سنگینی

هردستی: هر گروهی، هر طبقه ای

هزاهز: سر و صدا، فریاد و فتنه، آشوب

همایون: فرخنده

هنر آن بود: بخت یار بود، خوشبختانه

یوزان: یوزپلنگ ها

غرامت زده: زیان دیده، تاوان زده، کسی که غرامت کشد

فام: رنگ؛ فیروزه فام: به رنگ فیروزه، فیروزه رنگ

فراغ: آسودگی، آسایش

قاعده: روش، قانون

القصه: خلاصه

متقارب: نزدیک شونده، همگرا

مرغزار: سبزه زار، چراگاه، علفزار

نادره: کمیاب، بی نظیر

نکته های کاری درس

■ کاربرد معنایی واژه محبوب در متون فارسی متفاوت است. در بعضی جمله ها به معنای پنهان و در بعضی دیگر، به معنای باحیا به کار می رود.

مانند: ۱- محبوب گشت از مردمان (پنهان)

۲- مردی محبوب بود و دیده و دل از گناه به دور (باحیا)

■ شیوه مجهول کردن افعال:

- ۱ فعلی مجهول می‌شود که مفعول‌پذیر باشد. (ما کتاب‌های زیادی را خوانده‌ایم)
 - ۲ ابتدا نهاد را حذف و مفعول را بدون نشانه «را» در جای آن، قرار می‌دهیم. (کتاب‌های زیادی خوانده‌ایم)
 - ۳ براساس زمان و مصدر فعل جمله معلوم، صفت مفعولی و از مصدر «شدن»، زمان مورد نظر را می‌سازیم. (خوانده شده...)
 - ۴ شناسه فعلی را که از «شدن» ساخته‌ایم با نهاد جدید (مفعول قبلی) مطابقت می‌دهیم. (کتاب‌های زیادی خوانده شده است).
- در متون قدیمی گاهی به جای مصدر «شدن»، در ساخت فعل مجهول از مصدرهای «آمدن» و «گشتن» نیز استفاده می‌شد.

تمرین‌های کاری درس

قلمرو زبانی

۱ عبارتهای زیر را با واژه مناسب کامل کنید.

- ۱ زمان فعل در جمله «ای ابوالفضل امیر تو را می‌خواند» _____ است.
- ۲ در عبارت «امیر کشتی‌ها بخواست و ناوی ده بیاوردند، یکی بزرگ‌تر، از جهت نشست او» _____ ترکیب وصفی است.
- ۳ در عبارت «بونصر را بگوی که امروز درستم» نقش دستوری «بونصر» _____ است.
- ۴ رابطه معنایی واژه‌های «عقد» و «مختفه» _____ است.

۲ درستی و نادرستی عبارتهای زیر را معلوم کنید.

- ۱ مرجع ضمیر «وی» در عبارت «امیر کشتی‌ها بخواست و ناوی ده بیاوردند، یکی بزرگ‌تر، از جهت نشست او و جامه‌ها افگندند و شراعی بر وی کشیدند»، امیر است. ☐
- ۲ دو واژه «هزاهز» و «غریو» رابطه معنایی مترادف دارند. ☐
- ۳ در جمله «چنان که بار نتوانست داد و محجوب گشت از مردمان» واژه محجوب در معنی باحیا به کار رفته است. ☐
- ۴ در عبارت «چون نامه‌ها گسیل کرده شود تو باز آی که پیغامی است سوی بونصر در بایی، تا داده آید.» دو فعل مجهول به کار رفته است. ☐
- ۵ در عبارت «امیر از آن جهان آمده، به خیمه فرود آمد و جامه بگردانید» ترکیب وصفی به کار نرفته است. ☐

۳ گزینه درست را انتخاب کنید.

- ۱ در کدام گزینه غلط املائی بیشتری وجود دارد؟
الف رقعت، معکد، قزو هندوستان، آغاجی خادم ☐ ب صلت، شبیهت، عارضه، هشم ☐
- ۲ ساختمان واژه‌های «بی‌شبیهت، حلال‌تر، احوال، اندک‌مایه و اندیشه‌مند» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
الف وندی، وندی، ساده، مرکب، وندی ☐ ب وندی، ساده، ساده، مرکب، مرکب ☐
- ۳ رابطه معنایی همه جفت‌واژه‌ها در کدام گزینه از نوع تناسب است؟
الف وزر و وبال، آغاجی و خیل‌تاش، مستحقان و درویشان ☐ ب رقعت و توقیع، احوال و عادات، حساب و توقف ☐
- ۴ افعال کدام گزینه مجهول نیست؟
الف بار داده آید، نبشته آمد، فرستاده شده است. ☐ ب سرد شد، شروع شده بود، دیده بودمی ☐

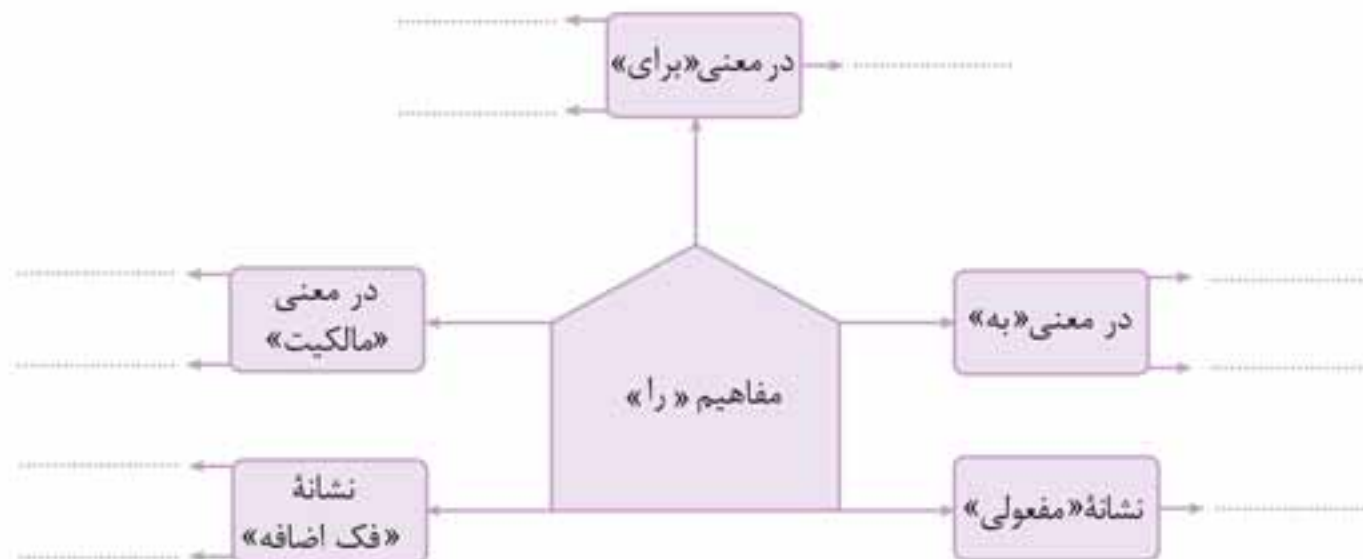
۴ برای هر یک از واژه‌های مشخص‌شده، معادل معنایی بنویسید.

- ۱ اندک‌مایه ضیعی دارند. _____ ۳ در این دو سه روز بار داده آید. _____
- ۲ بونصر نامه‌های رسیده را نکت بیرون آورد. _____ ۴ این مرد بزرگ و دبیر کافی به نشاط، قلم در نهاد. _____



۵ با توجه به مفهوم «را» در متون کهن، هر یک از جمله‌ها را در نمودار مربوط قرار دهید.

- ۱ بونصر نامه‌های رسیده را، نکت بیرون می‌آورد. بونصر را بگوی
که امروز درستم.
۲ تو را امیر می‌خوانند.
۳ پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست. تا خویشتن را ضیعتکی
حلال خرد.
۴ در هر سفری ما را از این بیارند.
۵ چندان صدقه دادند که آن را اندازه نبود. نگویم که مرا سخت
دریاست نیست.
۶ از هر دستی مردم در کشتی‌های دیگر بودند و کس را خبر نه.
۷ مثال داد تا هزار هزار درم به مستحقان و درویشان دهند شکر این را.



۶ شکل مجهول و معلوم افعال را در جدول زیر بنویسید.

فعل مجهول	فعل معلوم
	شناخته باشد
برداشته شده بودند	
	خواهد نوشت
	می‌شنوند
خوانده می‌شد	

قلمرو ادبی

۱ دو مورد از ویژگی‌های نثر بیهقی را در عبارات زیر معلوم کنید.

بونصر را بگوی که زرهاست که پدر ما از غزو هندوستان آورده است و بتان زرین شکسته و بگداخته و پاره کرده و حلال‌تر مال‌هاست.

۲ ابیات زیر را کامل کنید.

- ۱ نادره کبکی به جمال تمام
رهروی کبک نیاموخته
۲ باز کشید از روش خویش پای

۳ در هر گزینه کدام واژه‌ها، آرایه مجاز دارند؟ مفهوم آن‌ها را بنویسید.

- ۱ ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
۲ گفت پیغمبر اگر کوبی دری عاقبت زان در بیرون آید سری
۳ به کران آب فرود آمدند.
۴ زری که سلطان محمود به شمشیر بیاورده باشد.

۴ آرایه‌های ادبی را در بیت «زاغی از آن‌جا که فراغی گزید / رخت خود از باغ به راغی کشید» بررسی و تعیین کنید.

۵ آرایه‌های مربوط به هر بیت را به آن متصل کنید.

آرایه‌ها	ابیات
○ جناس - واج‌آرایی	۱ باز کشید از روش خویش پای در پی او کرد به تقلید جای
○ جناس - کنایه - مجاز	۲ بر قدم او قدمی می‌کشید وز قلم او رقمی می‌کشید
○ کنایه - جناس	۳ عاقبت از خامی خود سوخته ره‌روی کبک نیاموخته
○ پارادوکس - واج‌آرایی	

قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

۱ ناگاه آن دیدند که چون آب نیرو کرده بود و کشتی پرشده، نشستن و دریدن گرفت.

۲ تا خویشتن را ضیعتکی حلال خرد و فراخ‌تر بتوانند زیست.

۳ نگویم که مرا سخت دربايست نیست اما چون به آنچه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال این چه به‌کار آید؟

۴ آنچه دارم از اندک‌مایه حطام دنیا حلال است و کفایت است و به هیچ زیادت حاجتمند نیستم.

۵ آن نامه را بخواند و دوات خواست و توقیع کرد.

۲ با توجه به عبارت‌های زیر معنی قسمت‌های مشخص‌شده را از کمانک مقابل آن‌ها انتخاب کنید.

۱ تا صدقه‌ای که خواهیم کرد **حلال بی‌شبهت** باشد از این فرماییم. (مال بی‌شبهت / مال بی‌شک)

۲ گفت: زندگانی **خواجه عمید** دراز باد. (سرور و بزرگ / خواجه بونصر مشکان)

۳ از هر دستی مردم در کشتی‌های دیگر بودند و **کس را خبر نه** (کسی از اتفاق خبر نداشت / کسی از کشتی امیر خبر نداشت).

۴ در این دو سه روز **بار داده آید** که علت و تب تمامی زایل شد. (اجازة ملاقات می‌دهم / دستور انجام کارها را می‌دهم).

۳ با توجه به عبارت زیر، به پرسش‌ها پاسخ دهید.

بونصر گفت: ای سبحان‌الله، زری که سلطان محمود به غزو از بت‌خانه‌ها به شمشیر بیاورده باشد و بتان شکسته و پاره‌کرده و آن را امیرالمؤمنین می‌روا دارد ستن، آن قاضی همی‌نستاند؟

۱ منظور از عبارت «ای سبحان‌الله» چیست؟

۲ چرا امیرالمؤمنین گرفتن آن زر را روا می‌داند؟

۳ منظور از شکستن و پاره کردن بت‌ها چیست؟

۴ بیت‌های زیر با پیام کلی درس «قاضی بست» چه ارتباطی دارند؟

چند مال شبهه‌ناک آری به کف / تا که باشی نرم‌پوش و خوش‌علف
لقمه کاید از طریق مشته / خاک خور، خاک و بر آن دندان منه



۵ با توجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

و این مرد بزرگ و دبیر کافی، به نشاط قلم در نهاد تا نزدیک نماز پیشین، از این مهمات فارغ شده بود و خيلتاشان و سوار گسيل کرده، پس رقعتی نبشت به امير و هر چه کرده بود باز نمود.

۱ منظور از نماز پیشین، کدام نماز است؟

۲ منظور از دبیر کافی کیست و چه سمتی در دربار سلطان مسعود داشت؟

۳ فعل «باز نمود» در این عبارت چه تفاوت معنایی با کاربرد امروزی آن دارد؟

۴ منظور از «قلم در نهاد» چیست؟

۶ بیت‌های مرتبط با هر یک از عبارت‌ها را در جدول به هم متصل کنید.

عبارات	ابیات
۱ نگویم که مرا سخت دربايست نیست اما چون به آنچه دارم و اندک است قانعم، وزر و وبال آن به چه کار آید؟	○ به دست بنده ز حل و ز عقد چیزی نیست خدای بندد کار و خدای بگشاید
۲ اما ایزد رحمت کرد پس از نمودن قدرت.	○ با قناعت ساز دایم ای پسر گرچه هیچ از فقر نبود تلخ‌تر
۳ من هم از آن حساب و توقف و پرسش قیامت بترسم که وی می‌ترسد.	○ خواهی که بی‌حساب به جنت تو را برند صائب، نفس شمرده زن و خود حساب باش

۷ درست و نادرست بودن توضیحات مربوط به هر گزینه را معلوم کنید.

۱ من به آغاجی خادم می‌دادم و خیرخیر جواب می‌آورد (م) در «می آوردم» یعنی برایم می‌آورد

۲ بزرگا مردا که شما دو تنید (ای بزرگ، شما دو تن، مرد واقعی هستید).

۳ کرد فرامش ره و رفتار خویش / ماند غرامت‌زده از کار خویش (منظور از «کار»، تقلید کردن است).

۸ معادل امروزی هر یک از افعال به کار رفته در جملات زیر را بنویسید.

۱ نامه‌ها گسیل کرده شود. ۲ تو را امیر می‌بخواند.

۳ اگر وی را یک روز دیده بودمی، واجب کردی که در مدت عمر پیروی او کردمی.

۹ بیت «حساب خود این جا کن، آسوده دل شو / می‌فکن به روز جزا کار خود را» با مفهوم کدام عبارت تناسبی ندارد؟

۱ پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد. ○

۲ بر من پوشیده است که آن غزوها بر طریق سنت مصطفی هست یا نه. من این نپذیرم و در عهده آن نشوم. ○

۳ ما حق این نعمت تندرستی که باز یافتیم لختی گزارده باشیم. ○

۴ مرا چه افتاده است که زر کسی دیگر برد و شمار آن به قیامت مرا باید داد؟ به هیچ حال این عهده قبول نکنم. ○

۱۰ مفهوم قسمت مشخص شده در هر بیت را از میان مفاهیم زیر بیابید و مقابل هر بیت بنویسید (دو مفهوم اضافی است).

گل‌ها و گیاهان و زیبایی‌ها- ترک کردن و کنار گذاشتن- گام‌های موزون برداشتن- سریع و چابک بودن- نقل مکان کردن- زیان دیدن از نادانی- فراموشی راه و روش خود

۱ هم حرکاتش متناسب به هم هم خطواتش متقارب به هم

- ۲ دید یکی عرصه به دامان کوه
۳ باز کشید از روش خویش پای
۴ عاقبت از خامی خود سوخته
۵ زاغی از آن جا که فراغی گزید
- عرضه ده مخزن پنهان کوه
در پی او کرد به تقلید جای
رهروی کجک نیاموخته
رخت خود از باغ به راغی کشید

۱۱ «زاغ» در ابیات زیر نماد چه کسانی است؟

زاغ چو دید آن ره و رفتار را
بازکشید از روش خویش پای
بر قدم او قدمی می کشید
وز قلم او رقمی می کشید

وان روش و جنبش هموار را
در پی او کرد به تقلید جای
وز قلم او رقمی می کشید

نماد انسان های:

۱۲ پیام مشترک بیت های زیر را بنویسید.

- ۱ از ره تقلید اگر حاصل شود کسب کمال
۲ عاقبت از خامی خود سوخته
کرد فرامش ره و رفتار خویش
- هرکه گردد خم نشین باید که افلاطون شود
رهروی کجک نیاموخته
ماند غرامت زده از کار خویش

پیام مشترک:



آزمون نوبت اول

ردیف	سؤالات	بارم
(الف) قلمرو زبانی (۷ نمره)		
۱	معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید. الف زَنخْدان فرو برد چندی به جیب: ب شبگیر امیر مسعود برنشست و به کران رود رفت: پ در حضرت کریم تمنا چه حاجت است؟: ت بدان شمشیر تیز عافیت سوز:	۱
۲	روابط معنایی تضاد و تناسب را در بیت‌های زیر بیابید. الف اگر لطفش قرین حال گردد همه ادب‌ها اقبال گردد ب دانست که دل، اسیر دارد دردی نه دواپذیر دارد	۰/۵
۳	املاي درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. الف حق این نعمت تندرستی که باز یافتیم لختی (گزارده - گذارده) آید. ب باید جانب دوستی را نگاه داشته از کمک به یکدیگر (فروگزاری - فروگذاری) ننماییم.	۱
۴	در هر یک از موارد زیر، کدام واژه از نظر املايي درست نیست؟ درست آن را بنویسید. الف مردان، بار به نیروی حمت و بازوی حمیت کشند نه به قوت تن: ب چون موسم حج رسید برخواست اشتر طلبید و محمل آراست	۰/۵
۵	جمله زیر را مجهول کنید. جلال‌الدین محمد، به اصرار مریدان و شاگردان پدر، مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت.	۰/۵
۶	نقش دستوری هر یک از واژه‌های مشخص شده را تعیین کنید. جوان دست درویش پیر نه خود را بیفکن که دستم بگیر	۰/۵
۷	نوع ساختمان واژه‌های زیر را تعیین کنید. (ساده، وندی، مرکب و...) خوشبختانه: دبستان: شاهکار:	۰/۷۵

ردیف	سؤالات	بارم
۸	<p>در نوشته زیر:</p> <p>دگر بار، مریدان از تعطیل شدن مجالس درس به خشم آمدند و مولانا را دیوانه و شمس، پیر او را جادوگر خواندند.</p> <p>الف کدام ویژگی دستوری در متون کهن در عبارت دیده می شود؟</p> <p>ب یک نقش تبعی بیابید و آن را تعیین کنید.</p> <p>پ یک ترکیب اضافی بیابید.</p>	۰/۷۵
۹	<p>تعداد واج های کدام گزینه با واژه «آسایش» یکسان است؟</p> <p><input type="radio"/> ۱ درویشی <input type="radio"/> ۲ تمکن <input type="radio"/> ۳ استحکام <input type="radio"/> ۴ متمرکز</p>	۰/۲۵
۱۰	<p>واژه «مؤکد» را ابتدا به هجاهای سازنده تجزیه کنید سپس الگوهای آن را بنویسید.</p>	۰/۷۵
۱۱	<p>در نوشته زیر:</p> <p>شاهزاده نوجوان، میرزا عیسی قائم مقام را نه تنها وزیر خردمند بلکه پدر معنوی خود می دانست.</p> <p>الف کدام واژه شاخص است؟</p> <p>ب هسته گروه اسمی «پدر معنوی خود» را مشخص کنید.</p>	۰/۵
(ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۱۲	<p>در بیت «در آن سیماب گون امواج لرزان خیال تازه ای در خواب می دید»، مشبّه و مشبّه به را مشخص کنید.</p>	۰/۵
۱۳	<p>در بیت زیر، استعاره را مشخص کنید و آن را بررسی نمایید.</p> <p>سرنشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید و نامش دل شد</p>	۰/۵
۱۴	<p>کدام آرایه ادبی باعث زیبایی و خوش آهنگی بیت زیر شده است؟</p> <p>چند کنم تو را طلب خانه به خانه در به در چند گریزی از برم گوشه به گوشه کوبه کو</p>	۰/۲۵
۱۵	<p>آرایه های «تضاد» و «متناقض نما» را در بیت های زیر بیابید.</p> <p>الف کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی</p> <p>ب مجنون چو حدیث عشق بشنید اول بگریست پس بخندید</p>	۰/۵



آزمون نوبت دوم

ردیف	سؤالات	بارم
(الف) قلمرو زبانی (۷ نمره)		
۱	<p>برای هریک از واژه‌های زیر، از مصراع‌های داده‌شده یک برابر معنایی مناسب بیابید.</p> <p>الف چون رایت عشق آن جهانگیر ب یلی که سینۀ ظلمت دریده می‌آید</p> <p>پ بیاورد ضحاک را چون نوند ت بدرید و بسپرد محضر به پای</p> <p>کمیت: _____ بیرق: _____ استشهادنامه: _____ نگرده: _____</p>	۱
۲	<p>هر یک از واژه‌های زیر، با کدام واژه مقابل خود رابطه معنایی تضمّن ندارد؟</p> <p>الف متصدّد: (شکاری، طاووس، زاغ، مرغزار) <input type="radio"/> ب سمند: (زین، لگام، سم، ابرش) <input type="radio"/></p>	۰/۵
۳	<p>در نوشته زیر، چه بخشی حذف شده است؟</p> <p>کبوتران اضطرابی می‌کردند و هر یک خود را می‌کوشید.</p> <p>_____</p>	۰/۲۵
۴	<p>در هر یک از موارد زیر، کدام واژه از نظر املایی درست نیست؟ درست آن را بنویسید.</p> <p>الف شهر، عرصه محشر را به خاطر می‌آورد؛ گنجه با واپسین رمق‌هایش نفس می‌کشید. دیری نگذشت پرچم روس‌ها به احتزاز درآمد. <input type="radio"/></p> <p>ب ملائکه مقرب، هیچ‌کس آدم را نمی‌شناختند تا ابلیس پر تلبیس، گرد غالب آدم درآمد. <input type="radio"/></p>	۰/۵
۵	<p>املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.</p> <p>الف بزن زخم این (مرحم - مرهم) عاشق است. _____</p> <p>ب حالی (ثواب - صواب) آن باشد که قوتی کنید تا دام از جای برگیریم. _____</p>	۰/۵
۶	<p>جمله مجهول زیر را معلوم کنید.</p> <p>درهای تازه‌ای به روی ما گشوده شده است. (نهاد: نبرد با دشمن)</p> <p>_____</p>	۰/۵
۷	<p>در بیت زیر برای هریک از فرایندهای واجی «افزایش» و «کاهش» نمونه‌ای بیابید و مشخص کنید.</p> <p>برافروخت پس دست خیرگشا پی سربردن بیفشرد پا</p> <p>_____</p>	۰/۵
۸	<p>در نوشته «دایی جان میرزا غلام‌رضا که در تجدّد افراط داشت، اولین مرد عینکی بود که دیده بودم.»:</p> <p>الف زمان فعل آخر را تعیین کنید.</p> <p>ب نقش دستوری واژه «میرزا» چیست؟</p> <p>پ نوع وابسته پسین را در گروه اسمی «اولین مرد عینکی» مشخص نمایید.</p>	۰/۷۵
۹	<p>نوع ساختمان واژه‌های مشخص‌شده را در عبارت زیر تعیین کنید. (ساده، وندی، مرکب و ...)</p> <p>_____ ریاضی‌دان: _____ قلمدان: _____ ناجوانمرد: _____</p>	۰/۷۵

ردیف	سؤالات	بارم
۱۰	تعداد واج‌های کدام گزینه با واژه «اعتبار» یکسان است؟ (۱) درویشی (۲) تمکن (۳) استحکام (۴) متمرکز	۰/۲۵
۱۱	با توجه به بیت «طلوع برکه خورشید تابناک دل است / ستاره‌ای که ز آفاق دیده می‌آید» الف یک ترکیب وصفی بیابید. ب یک واج میانجی مشخص کنید. پ نهاد مصراع اول را تعیین کنید.	۰/۷۵
۱۲	واژه کدام گزینه طبق الگوی «بن مضارع + وند + بن مضارع ← اسم وندی - مرکب» است؟ (۱) ساخت‌وساز (۲) جنب‌وجوش (۳) کشت‌وکشتار (۴) رهاورد	۰/۲۵
(ب) قلمرو ادبی (۵ نمره)		
۱۴	در سروده زیر، بخش مشخص‌شده بیانگر کدام آرایه ادبی است؟ دلیل خود را بنویسید. بیداری زمان را با من بخوان به فریاد / و مرد خواب و خفتی / «رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن» شبیص کدکن	۰/۵
۱۵	در بیت «آمد سوی کعبه سینه پر جوش / چون کعبه نهاد حلقه در گوش» شاعر چگونه از تشبیه برای خلق کنایه بهره برده است؟	۰/۵
۱۶	در بیت «چو کاوه برون شد ز درگاه شاه / بر او انجمن گشت بازارگاه»، «بازارگاه» مجاز از چیست؟	۰/۲۵
۱۷	هر یک از آرایه‌های پارادوکس، حسن تعلیل و کنایه را در کدام یک از بیت‌های زیر می‌یابید؟ (یک مورد اضافه است). الف ای کعبه به داغ ماتمت نیلی پوش ب بیفشرد چون کوه پا بر زمین پ سرنشتر عشق بر رگ روح زدند ت هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای وز تشنگی‌ات فرات در جوش و خروش بخایید دندان به دندان کین یک قطره فروچکید و نامش دل شد من در میان جمع و دلم جای دیگر است	۰/۷۵
۱۸	مصراع دیگر هریک از بیت‌های زیر را بنویسید. گذشتن ز جان رسم مردانگی است ب گفתי ز ناز بیش مرنجان مرا برو پ مرا اوج عزت در افلاک توست ت دف عشق با دست خون می‌زنند	۲